



جگ

از یک نفر پرسیدند: چرا ته چاه  
سته‌ای گفت: می‌خواهم عمیق فکر  
.<sup>۴</sup>

امید : پدرجان آن چیست که  
مز و آبی است . هشت پا دارد و  
اسماں پرواز می گزد  
پدر : نمی دانم خودت بگو - من  
هنوز برایش اسمی پیدا نکردهم .

**۱۹**  
اولی : نمی دانی پسرو - یک  
ت کفش فریدم لنه ندارد .  
دومی : کفش بدون لنه فریدی  
لاه سرت (فته).

اولی : مدار نقره را برای په  
تفتی؟  
دومی : برای اینکه خواننده  
• ۵

دقیقی دو می: برای اینکه فوانندگی را  
گذاشتم.

کدر ای دیوانه ای پرسید:  
مت چیست؟  
گفت: غلام.  
اسمه بدرت چیست؟ غلام.  
تر با تعجب نگاهی به دیوانه  
آفته و گفت: مگ می شود؟  
دیوانه گفت: بهله ام تمام  
نهاده های فامیل ما غلام است. به  
برادران عباس کے اسمش اصرخ  
ت.  
ارمنان خسروی

**کوک هشت ساله**  
تابستان زیاد هم خوب  
باشد، چون هوا اینجا خیلی  
م می باشد، از زیرین به استخر  
م، در آنجا خیلی آب بود، معلم  
ای من خیلی سوختی می باشد،  
را داخل آب هل می داد، اگر  
نه دنای نگیرد، همچنان خ

متناوب یا متواضع هم نمی شود . چه

تعداد

## آمریکا در خاموشی و ترس



۲۰- میلیون نفر در خاموشی به سرمه نزد.

۱۹- ایگانه هزار مگاواتی

۱۸- سرمه اگاه به لاید خوب بزد

۱۷- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۱۶- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۱۵- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۱۴- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۱۳- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۱۲- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۱۱- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۱۰- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۹- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۸- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۷- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۶- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۵- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۴- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۳- سرمه ایگانه ایلیم اساتیز شنیده بدانند

۲- جو روح باشیک ، فرماندار نیوپور

۱- گفت : در حال بررسی دلیل قحط خادمه هستند ، اما عیبی می داشت که این خاموشی ناشی از حادثه تروریستی باشد ، خوب و در مشور ما است

۰- خاموشی ناشی از حادثه تروریستی ، کمونیستی ، بیلماشیان و غیره بداشت کسی دنبال بررسی دلیل این نارود

اندر حکایت  
بی مهربانی ها  
۹  
اسازگاری های  
بد فرجام  
کار از تردید دهنده

والله نهري دنبار به بند گاتها می گردم  
جیزی بیدا نهی کنم که بتقونه مشوارو  
الکی از هم جدا کنم

آه

مسابقات شماره ۱ :

دوام : راست می گین ها / به قول عروق خوبی کیم آورده و خوب هم سوای میرد که نیست که بکوای خود آدم حسیانی آتی کرد بود نانت کم بود / خواب شدنت بر سر دیگر چوپ سویی : به جان شما نباشد به جان شوهرم من شنها که چشم ام را یور هم می کارم ، خواب این میرد را می پشم من یک هولو چشم در چشم من اند اخنه و دارد سرم را تیره می مالد چهارم : اوا / ادا مگر بد ، ایده بجزی نیست سعی اینها می شود را یک دراکولا می پشم که خوب خواهد مرای پیکار کی قدرت می باشد خواندنگان در صورتی که فهمیدند شخص مورد نظر خود را کست چنان هم نهن تکریه دادند ولی چهت در دیوانه بازیه اقدام کنند .

نمطیم و طرح: ساہرخ و خسروی

تامین کرد داده است.

شماره ۶ (مهرگان)  
جدول با جایزه

# سنه سال از انتشار امداد گذشت و اکنون ... چهارمین بهار

تیه کننده: میرم حرمان

تنظیم: کیوان هور

عکس‌ها: آهانه‌پر خیده



مصطفی پاد کویهای هزاوهای (شاعر)

کفره جهان نسخه‌ای برای مصرف داخلی

بدیده شوم «هادی و ناظر» مدتهاست به صورت داغده ای افکار عمومی زرتشیان را به خود مشغول داشته در هر مجلس و همایش چهار چنانچه کارکارانه را شفعت فراهم کرده بود و شکنناکی این هدفی دیگر نتوان رفاقت و تقویت نامه بینهایان را به اکنون با نام جدید و افاده‌دار است اماکن بیرونی مسوم استادیه شان این جماعت پروریا دیگر از مکانیکی نداند و نه تنها بروزه در تکالیف این مصروف به بدری و همچوینی در شانه این مسئولیت نداشت بلکه این جماعت را به این اینستار تماشی کردند که شفعت و کاخهای کوشانی خود را به ارگان بکنند

تجاهه نیست بلکه این جماعت را این اینستار تماشی کردند تا جایی که شفعت و کاخهای کوشانی خود را به ارگان بکنند

بجزی این مسئولیت ندانند که شفعت و کاخهای کوشانی خود را به این اینستار تماشی کردند این اینستار تماشی کوشانی خود را به ارگان بکنند

از این اینستار تماشی کوشانی خود را به ارگان بکنند

از این اینستار تماشی کوشانی خود را به ارگان بکنند

از این اینستار تماشی کوشانی خود را به ارگان بکنند

از این اینستار تماشی کوشانی خود را به ارگان بکنند

از این اینستار تماشی کوشانی خود را به ارگان بکنند

از این اینستار تماشی کوشانی خود را به ارگان بکنند

از این اینستار تماشی کوشانی خود را به ارگان بکنند

از این اینستار تماشی کوشانی خود را به ارگان بکنند

از این اینستار تماشی کوشانی خود را به ارگان بکنند

از این اینستار تماشی کوشانی خود را به ارگان بکنند

از این اینستار تماشی کوشانی خود را به ارگان بکنند

پرسنل: کیوان هور

تصویر: آهانه‌پر خیده

وقتی عقربهای ساعت عدد ۴ را نشان

خواهش را ازدده بود اما چه می‌شد کرد که با دقت و سوسن در سالن چند همه بودند، کم می‌بر

دستیانی با گفتنت شادی باشند و خود فکر

می‌کردند. کالسکه خاطره های مردی خود بود.

به سفری سه ساله رسالت ها را در هم که کردند به شانه

پیمان: بیانی استند گذاشتند گذاشتند

امداد: از این سه ساله بیانی استند گذاشتند گذاشتند

از آن زمان حال هر چند های سپاهی خاص است.

تمام اقدامات را از همان اینستاد تا حال که به

منابعی سوینیان شوکر گردید دستیان و تولد

امداد در تالار بیرونیان روز بروزی هم گردید

آدمدودن: مردم کوشانی داشتم اندک و بنشانم

راه سویی آندید و بینه ای می‌بینیم که می‌دانی

سرودی رشنه امداد را بیند. موسام با پیش

سود می‌لعلی اغاز آغاز شده: دو

دو فرخه کیار می‌میهانی به

نمای امداد در آنها های سپاهی خاص است.

منابعی سوینیان خاطره ای از موسیانشان

امداد بین این نکته ای کرد که در امداد بینند

خوب: دستیانی روز بینند و شوهر: دستیانی کشید

نگاهی به بیند دستیانی ای ای ای ای ای ای ای ای

پیمان: بیانی استند گذاشتند گذاشتند

زرتیانشان در مجلس

